

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی

موضوع

مقایسه کارکردهای اجرایی در نوجوانان بزهکار و عادی شهر تهران

استاد راهنما:

دکتر پرویز شریفی در آمدی

استاد مشاور:

دکتر حسن اسدزاده

استاد داور:

دکتر حمید علیزاده

پژوهشگر: حسین عقیفی

زمستان ۱۳۹۰

تقدیم به:

پدر و مادرم که هر آنچه را که هستم و دارم مدیون وجود و تربیت آنان است.

## تقدیر و تشکر

از زحمات بی دریغ استاد ارجمند جناب آقای دکتر پرویز شریفی در آمدی به دلیل کوشش هایی که در جهت راهنمایی، هدایت و اجرای پژوهش اینجانب بذل داشته اند، استاد محترم مشاور، جناب آقای دکتر حسن اسدزاده که با دقت فراوان و ارائه نقطه نظرهای اصلاحی خود در به پایان رساندن این پژوهش سهم به سزایی داشته اند و استاد محترم داور، جناب آقای دکتر حمید علیزاده که در جهت هر چه بهتر شدن این پژوهش تلاش بی شائبه ای انجام داده اند، تشکر و قدردانی می شود.

و

در نهایت از مسولین محترم کانون اصلاح و تربیت شهر تهران بویژه جناب آقای دکتر اسماعیلی که امکان اجرای پژوهش را برای من فراهم نمودند تقدیر و تشکر می کنم.

## چکیده

پژوهش حاضر به مقایسه کارکردهای اجرایی استدلال، برنامه ریزی - سازماندهی و حافظه کاری در نوجوانان بزهکار و عادی می پردازد. در این پژوهش زمینه یابی، جامعه آماری شامل کلیه بزهکاران نوجوانی که در زمان انجام تحقیق در کانون اصلاح و تربیت شهر تهران به سر می بردند و کلیه دانش آموزان ۱۳ تا ۱۸ سال منطقه ۵ آموزش و پرورش شهر تهران که به عنوان گروه مقایسه انتخاب شدند. برای انتخاب بزهکاران از افراد ساکن در کانون اصلاح و تربیت که تنها مرکز واقع در تهران بود، ۳۰ نفر از افراد ۱۳ تا ۱۸ سال بزهکار به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. به منظور انتخاب افراد عادی نیز با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای دو مرحله ای از مناطق ۲۲ گانه شهر تهران یک منطقه (۵) و از مدارس این منطقه ۲ مدرسه عادی انتخاب و در مرحله بعد ۶ نفر از مقطع راهنمایی و ۲۴ نفر از مقطع دبیرستان انتخاب شدند. برای بدست آوردن داده ها از آزمون آندره ری و خرده آزمون های تشابهات و حافظه عددی و کسلر استفاده شد. داده ها با آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) تحلیل شدند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که: ۱- بین دو گروه نوجوانان بزهکار و عادی در متغیرهای وابسته ترکیبی استدلال، برنامه ریزی - سازماندهی و حافظه کاری تفاوت معنی داری وجود دارد. بر اساس اطلاعات جدول از آنجا که مقادیر F گزارش شده با درجات آزادی ۱ و ۵۸ نسبت به مقدار بحرانی بزرگتر است بنابراین فرض صفر با اطمینان ۹۹ درصد رد و فرض تحقیق مورد پذیرش قرار می گیرد. ۲- بین عملکرد استدلال نوجوانان بزهکار و عادی تفاوت وجود دارد. بنابر اطلاعات بدست آمده چون مقدار F بدست آمده (۴۵۵/۹۵) در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است. بنابراین فرضیه دوم این پژوهش با ۹۹ درصد اطمینان تایید می شود. ۳- بین عملکرد برنامه ریزی - سازماندهی در نوجوانان بزهکار و عادی تفاوت وجود دارد. بنابر اطلاعات بدست آمده چون مقادیر F بدست آمده (۱۷۳/۰۵ و ۱۵۹/۴۵) در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است بنابراین فرض سوم این پژوهش با ۹۹ درصد اطمینان تایید می شود. ۴- بین عملکرد حافظه کاری نوجوانان بزهکار و عادی تفاوت وجود دارد. بنابر اطلاعات بدست آمده چون مقدار F بدست آمده (۱۱۷/۵۹) در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است. بنابراین فرض چهارم این پژوهش با ۹۹ درصد اطمینان تایید می شود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که کارکردهای اجرایی استدلال، برنامه ریزی - سازماندهی و حافظه کاری در نوجوانان بزهکار در سطح پایین تری قرار دارد. این موضوع مربوط به فقر اطلاعات پیشنهادی کارکردهای اجرایی شناختی است.

**کلید واژگان:** کارکردهای اجرایی، استدلال، برنامه ریزی - سازماندهی، حافظه کاری، بزهکاری.

# فهرست مطالب

صفحه

.....عنوان

.....چکیده

.....تقدیر و تشکر

## فصل اول: چارچوب پژوهش

۱-۱ مقدمه..... ۲

۱-۲ بیان مسله..... ۷

۱-۳ اهمیت و ضرورت پژوهش..... ۱۲

۱-۴ اهداف پژوهش..... ۱۳

۱-۵ فرضیه های پژوهش..... ۱۳

۱-۶ تعاریف متغیرها..... ۱۳

## فصل دوم: پیشینه پژوهش

۲-۱ مقدمه..... ۱۸

۲-۲ کارکردهای اجرایی..... ۱۸

۲-۲-۱ مدل های کارکردهای اجرایی..... ۲۱

۲-۲-۲ کارکردهای اجرایی و هوش..... ۲۷

- ۲-۲-۳ مولفه های کارکردهای اجرایی..... ۲۹
- ۲-۲-۳-۱ کارکرد اجرایی استدلال..... ۳۰
- ۲-۲-۳-۲ کارکرد اجرایی برنامه ریزی - سازماندهی..... ۳۲
- ۲-۲-۳-۳ کارکرد اجرایی حافظه کاری..... ۳۳
- ۲-۳ تعریف اختلال رفتاری..... ۳۵
- ۲-۴ تعریف کج رفتاری و جرم..... ۳۷
- ۲-۵ طبقه بندی جرایم و انحرافات..... ۳۸
- ۲-۶ تعریف جرم در چارچوب رویکردهای جرم شناختی..... ۴۲
- ۲-۷ دیدگاه های مختلف در زمینه علت شناسی جرایم..... ۴۶
- ۲-۸ دیدگاه های نظری در زمینه تبیین بزهکاری..... ۴۷
- ۲-۹ تحول اخلاقی در مجرمان..... ۵۵
- ۲-۱۰ جرم در چارچوب شخصیت..... ۵۵
- ۲-۱۱ علل خانوادگی بزهکاری..... ۵۷
- ۲-۱۲ پیشینه پژوهش..... ۶۱
- ۲-۱۳ بحث و نتیجه گیری..... ۶۶

## فصل سوم: روش شناسی پژوهش

- ۳-۱ مقدمه..... ۷۳
- ۳-۲ جامعه آماری..... ۷۳
- ۳-۳ نمونه و روش نمونه گیری..... ۷۳
- ۳-۴ ابزار گردآوری اطلاعات..... ۷۳
- ۳-۴-۱ آزمون "تساویر هندسی پیچیده"..... ۷۴
- ۳-۴-۲ خرده مقیاس حافظه رقمی و کسلر..... ۷۴
- ۳-۴-۳ خرده آزمون تشابهات..... ۷۵
- ۳-۵ روش تحقیق..... ۷۶
- ۳-۶ روش جمع آوری داده ها..... ۷۶
- ۳-۷ روش تجزیه و تحلیل داده ها..... ۷۷

## فصل چهارم: یافته ها

- ۴-۱ مقدمه..... ۷۹
- ۴-۲ توصیف داده ها..... ۷۹
- ۴-۳ تحلیل داده ها..... ۸۳



## فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۸۶	۵-۱ مقدمه.....
۸۶	۵-۲ بحث و نتیجه گیری.....
۹۳	۵-۳ محدودیت های پژوهش حاضر.....
۹۴	۵-۴ پیشنهادهای کاربردی.....
۹۴	۵-۵ پیشنهادهای پژوهشی.....
۹۶	۵-۶ منابع فارسی.....
۱۰۰	۵-۷ منابع انگلیسی.....

پیوست ها

## جداول

۷۹	جدول ۴-۱ فراوانی رده های سنی بر اساس گروه های بزهکار و عادی.....
۸۰	جدول ۴-۲ شاخص های توصیفی خرده آزمون تشابهات و کسلر برای گروه ها.....
۸۱	جدول ۴-۳ شاخص های توصیفی خرده آزمون حافظه ارقام و کسلر برای گروه ها.....
۸۱	جدول ۴-۴ شاخص های توصیفی آزمون آندره ری مرحله اول برای گروه های بزهکار و عادی.....
۸۲	جدول ۴-۵ شاخص های توصیفی آزمون آندره ری مرحله دوم برای گروه های بزهکار و عادی.....
۸۲	جدول ۴-۶ نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن دادها.....
۸۳	جدول ۴-۷ نتایج آزمون لون برای بررسی همگنی خطاهای واریانس.....

جدول ۴-۸ نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره برای تعیین تفاوت میان سه گروه متغیرهای استدلال، برنامه ریزی- سازماندهی و حافظه کاری.....۸۴

جدول ۴-۹ نتایج آزمون اثرات بین گروهی متغیرهای وابسته در گروه های بزهکار و عادی.....۸۵

نمودار ۴-۱ فراوانی رده های سنی بر اساس گروه های بزهکار و عادی.....۸۰

**فصل اول**  
**چارچوب**  
**پژوهش**

## ۱- مقدمه

کارکردهای اجرایی به فرایندهای کنترل و نظم دهی که برای هدایت رفتار در محیط های دائمی در حال تغییر ضروری است اشاره دارد (جورادو و راسلین، ۲۰۰۷). این مفهوم شامل توانایی هایی مثل برنامه ریزی، حافظه کاری، انعطاف پذیری شناختی، بازداری پاسخ، کنترل تکانه و نظارت بر عمل است (رابرت و رابینز، ۱۹۹۸؛ استاس و نیت، ۲۰۰۲). این کارکردها برای فرایندهای یادگیری شناختی ضروری هستند (بول و اسکریف، ۲۰۰۱؛ اسپی، ۲۰۰۴).

کارکردهای اجرایی<sup>۱</sup> عصب شناختی ساختارهای مهمی هستند که با فرایندهای روان شناختی مسول کنترل هشیاری، تفکر و عمل مرتبط می باشند (علیزاده، ۱۳۸۵). به طور کلی، در میان صاحب نظران تعریف یکسان و قابل قبول همگان در مورد کارکردهای اجرایی وجود ندارد. در تعریف های ارائه شده برخی از جنبه های خاص این کارکردها مورد تاکید قرار گرفته است. به عنوان مثال، بارکلی<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) کارکردهای اجرایی را اعمال خودفرمانی می داند که برای خود گردانی به کار می رود. او معتقد است که به طور خلاصه می توان کارکردهای اجرایی را اعمالی دانست که فرد برای خود و برای هدایت خود انجام می دهد تا خود کنترلی، رفتار هدفمدار و بیشینه سازی پیامدهای آینده را به اجرا درآورد (بارکلی، ۱۹۹۷، نقل از علیزاده، ۱۳۸۵). تعاریف کارکردهای اجرایی معمولاً فرایندهای شناختی مسول در ترکیبی از قلمرو بیرونی و درونی از اهداف، راهبردها، نگهداری عملکرد و برنامه ریزی شناختی در ذهن تا زمان انجام دادن و بازداری از رفتارها یا محرکهای نامربوط دیگر را در بر می گیرد. به طور کلی کارکردهای اجرایی را می توان به عنوان شاخصی برای « چگونگی و چه وقت » انجام دادن عملکرد های رفتاری عادی توصیف نمود (هیلمن، ۱۹۹۴، لوفتیز، ۲۰۰۴).

اکثر مطالعات فقط بر نقش یکی از کارکردها مانند حافظه کاری تاکید کرده اند در حالی که در ارتباط با سایر موارد پژوهش های چندانی صورت نگرفته است (میر مهدی، ۱۳۸۶).

اختلال های رفتاری کودکان، اختلال های شایع و ناتوان کننده ای هستند که برای معلمان، خانواده ها و خود کودک مشکلات بسیاری را ایجاد می کند و با میزان بالایی از معضلات اجتماعی همراه (شکوهی و پرنده، ۱۳۸۴).

<sup>1</sup> -Executive functions

<sup>2</sup> -Barkely

اختلال رفتاری در واقع رفتاری است که اولاً جنبه افراطی داشته باشد. ثانياً با انتظارات فرهنگی یا اجتماعی ناهماهنگ باشد و ثالثاً نشانگر مسله ای باشد که جنبه مزمن داشته باشد (هالاها و کافمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴، ترجمه جوادیان، ۱۳۷۸).

کودکی دارای اختلال های رفتاری است که در رفتارها و عملکردهایش نسبت به همسالان نقصان دارد. به عبارت دیگر رفتارها و تظاهر احساسات این کودکان نسبت به همسالان و نیز بزرگسالان نامناسب و ناپخته است (باور و لامبرت، ۱۹۷۱، به نقل از سیف نراقی و نادری، ۱۳۸۰).

شورای کودکان استثنایی تعریفی را برای اختلال های هیجانی ارائه کرده است که فراتر از تعریف موجود در قانون آموزش افراد با ناتوانی ها است (شورای کودکان استثنایی، ۱۹۹۱، فورنس، ۱۹۹۶؛ فورنس و نیتزر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰).

اختلال هیجانی یا رفتاری به شرایطی گفته می شود که در آن پاسخ های رفتاری یا هیجانی فرد در مدرسه با هنجار های پذیرفته شده و بر اساس سن، قومیت یا فرهنگ، تفاوت زیادی دارد، به گونه ای که بر عملکرد تحصیلی آن ها در زمینه های مراقبت از خود، روابط اجتماعی، سازگاری شخصی، پیشرفت تحصیلی، رفتار کلاسی یا سازگاری شغلی اثر بگذارد.

اختلال های هیجانی یا رفتاری باید دست کم در دو موقعیت مشاهده شود که دست کم یکی از این دو موقعیت باید به مدرسه مربوط شود (هاردمن، اگن و درو، ۲۰۰۲، ترجمه عزیزاده، گنجی، یوسفی لویه و یادگاری، ۱۳۸۸).

در بین گروه های مختلف کودکان استثنایی<sup>۳</sup> و دانش آموزان با نارسایی های ویژه، کودکان مبتلا به پریشانی های عاطفی و اختلال های رفتاری قرار دارند که دارای خصوصیتی مثل نافرمانی، خرابکاری و حسادت می باشند. این کودکان از نظر شخصیتی در چهار بعد (۱) اختلال رفتاری (۲) گوشه گیری و اضطراب (۳) ناپختگی و (۴) پرخاشگری اجتماعی تقسیم می شوند. کودکان با اختلالات رفتاری نسبت به مقررات بی اعتنا بوده و کمتر دچار احساس گناه می شوند. کودکانی که در طبقه اضطراب و گوشه گیری قرار دارند، دارای احساس حقارت، کناره گیری از اجتماع، اضطراب، افسردگی و احساس گناه و ناشادی می باشند. خصوصیات بارز کودکانی که دچار ناپختگی هستند از این قبیل است: دامنه توجه کوتاه، کم مهارتی، کم تحرکی، خیالبافی و تمایل به بازی کردن با کودکان کوچک تر.

<sup>۱</sup> - Hallahan & Kaffman

<sup>۲</sup> - Forness & Knitzer

<sup>۳</sup> - Exceptional children

کودکانی که در بعد چهارم یعنی پرخاشگری اجتماعی قرار دارند با چنین رفتارهایی توصیف می شوند: امتناع مداوم در پیروی از قوانین و انتظارات خانه، مدرسه و یا جامعه، نزاع، ارباب دیگران، بی رحمی، خشونت نسبت به دیگران یا حیوانات در حدی بیش از معمول، و تخریب اموال، همچنین تاریخچه سرقت، ناسازگاری در مدرسه، و مبادرت به رفتارهای حادثه جویانه (جانگسما، پیترسون و مک اینیز، ترجمه آقا محمدیان و کیمیایی، ۱۳۸۶).

کج رفتاری یا انحراف، به هر گونه رفتاری گفته می شود که هنجارهای فرهنگی را نقض کند. هنجارها راهنمای همه فعالیت های انسان در جامعه هستند و تعیین می کنند که فرد در شرایط گوناگون چه رفتاری را باید یا نباید داشته باشد (ستوده، ۱۳۸۴). در قانون جزا، جرم را بر حسب شدت یا ضعف مجازات به جنایت، جنحه و خلاف تقسیم می کنند. شاخه فرعی جرم «بزهکاری جوانان» است که به نقض معیارهای قانونی توسط جوانان تعریف می شود.

به طور کلی بزهکاری به مفهوم انجام برخی از اعمال علیه قانون به کار می رود و طیف وسیعی از رفتارهای اجتماعی، مانند اعمال پرخاشگرانه، سرقت، خرابکاری<sup>۱</sup>، فرار و ولگردی را در بر می گیرد. اگرچه این رفتارها متنوع هستند ولی ویژگی مشترک آن ها، زیر پا گذاشتن قوانین و مقررات اجتماعی است.

رفتارهای نابهنجار نوجوانان امروزه مسله عمده ای در حوزه آسیب شناسی خانواده به شمار می رود. خانواده، جایگاه مهمی را در چارچوب نهادهای جامعه دارد و تنها نهادی است که وظیفه دگرگون کردن ارگانسیم زیستی، و تبدیل آن به موجودی انسانی را بر عهده دارد. خانواده از طریق پایه ریزی الگوهای تربیتی و رفتاری خود و اجرای نقش های اجتماعی گوناگون و در یک کلمه از طریق شیوه های اجتماعی کردن، به درجات مختلف، همنوایی با هنجارهای اجتماعی مورد پذیرش جامعه را در کودکان و نوجوانان درونی می سازد. در صورتی که خانواده ها به هر دلیلی نتوانند هنجارهای اجتماعی را به فرزندان خود انتقال و در آن ها درونی سازند، احتمالاً رفتار فرزندان مطابق با هنجارهای جامعه نبوده و این رفتار از نظر جامعه، نابهنجار تلقی می شود. رفتارهای نابهنجار را باید مقدمه بزهکاری و انجام جرم تلقی نمود که خود از مصادیق ناکارآمدی نظام اجتماعی و خانوادگی به شمار می رود. بزهکاری نوجوانان با عوامل متعددی در ارتباط است. بیش تر عوامل اصلی در ارتباط با بزهکاری را می توان در دو نظریه اساسی روانشناختی و اجتماعی - فرهنگی طبقه بندی کرد. نظریه سوم نیز مربوط به عوامل زیستی می گردد که علل بزهکاری را در عوامل زیستی - شیمیایی ناشی از آسیب مغزی، اختلالات کروموزومی یا تغذیه نامناسب می داند.

---

<sup>1</sup> - Vandalism

نظریه های روانشناختی، ریشه های رفتار بزهکارانه را تعارض های حل نشده هیجانی و عاطفی افراد جستجو می کند، روابط آشفته والد- فرزند و عدم حمایت عاطفی کافی مانع حل موفقیت آمیز تکالیف روانی- اجتماعی دوره نوجوانی می گردد که شامل رشد اعتماد، صمیمیت، احترام به خود، کنترل تکانه ها، درونی سازی ارزش ها و مقررات والدین است. در حالی که عواملی چون پذیرش، ابراز محبت و مراقبت والدین به عنوان عامل محافظت کننده قلمداد می شود. طرد کردن، خصومت، مراقبت بیش از اندازه، رفتار تنبیه کننده والدین با آسیب شناختی و مشکلات سازگاری اجتماعی و روانی فرزندان رابطه دارد (مکسترز و نیکولین، ۲۰۰۲، نقل از لینوین، ۲۰۰۳).

بلسکای، اشتبرگ و دراپر (۱۹۹۱، به نقل از سامانی و رضویه، ۱۳۸۶) بافت خانواده و فرایندهای تحولی را عواملی موثر بر سازگاری کودکان معرفی نموده اند. در این مدل فرایندهای تحولی، نقش واسطه را مابین بافت خانوادگی و میزان سازگاری ایفا می کنند. در این نظریه، منظور از بافت خانوادگی، نوع روابط حاکم بر خانواده، نوع روابط زناشویی و سبک های فرزند پروری می باشد و منظور از فرایندهای تحولی، مجموع خصوصیات روانشناختی از قبیل رشد شناختی، هیجانی، دلبستگی، خود اتکایی، فردیت و رشد اجتماعی است.

کارکردهای اجرایی توسط شبکه های مختل شده در نواحی پیش پیشانی، کرتکس خلفی و ساختارهای زیرقشری از جمله عقده های پایه و جسم مخطط قدامی تحت تأثیر قرار می گیرد (شولتز و همکاران، ۲۰۰۰). بر اساس مطالعات تصویربرداری کارکرد مغز در انسان و آزمایشات پستانداران مادون انسان، مشخص شده که کرتکس پشتی - جانبی و بطنی - جانبی پیش پیشانی و لوب آهیانه ای به عنوان نواحی اصلی هستند که حافظه فعال و جنبه های محاسباتی مرتبط با کارکردهای اجرایی را حمایت می کنند (کولت و ون در لیدن، ۲۰۰۲). بسته به تکلیف کارکرد اجرایی خاص، کیفیت حسی و اینکه آیا تکلیف دربرگیرنده زبان یا اطلاعات غیر کلامی است، الگوی فعالیت ممکن است جانبی شود و سایر نواحی قشری و زیرقشری را در بر گیرد.

ارزیابی دقیق و شناسایی آسیب های خاص در حوزه کارکردهای اجرایی به جهت گیری و توجه دقیق تر مداخله و درمان کمک می کند.

مطالعات نشان می دهد که بزهکاری معضلی محدود به یک کشور خاص نیست. محققین دریافته اند که بسیاری از عواملی که پیش درآمد جرایم نوجوانان است مانند احساس بیگانگی، مشکلات خانوادگی، شکست تحصیلی و

مصرف مواد مخدر ممکن است در بزهکاری اغلب کشورها نقش داشته باشد. نگاهی به گزارش های آماری، اوضاع اجتماعی کشورهای جهان نشان از ازدیاد نرخ جرایم ارتكابی کودکان و نوجوانان دارد. هر چه جوامع بشری در علم و صنعت و فن آوری رشد می کنند، روند بزهکاری کودکان و نوجوانان نیز افزایش قابل توجهی می نماید. علاوه بر این تحولات اقتصادی و سیاسی داخل کشورها، فقر فرهنگی، ضعف مبانی اخلاقی<sup>1</sup> و ماهیت سرکوبگرانه نظام های قضایی مربوط به کودکان و نوجوانان نیز می تواند از علل و عوامل مهم روند صعودی بزهکاری کودکان و نوجوانان باشند.

مطالعات پژوهشی نشان می دهد تنها آمادگی شخصی برای ارتكاب بزه کافی نیست بسیاری از افراد که آمادگی ذاتی برای ارتكاب جرم دارند در صورتی که شرایط زندگی و محیط اجتماعی اشان مولد جرم نباشد آمادگی ذاتی از قوه به فعل نمی رسد. بسیاری از جرم شناسان معتقدند جنسیت کودکان، روابط آنان با والدین، همسالان، مدارس و استعمال مواد مخدر تاثیر شدیدی بر مشارکت آنان در فعالیت بزهکارانه دارد. کودکانی که در منزل، محله و مدرسه خود با ناکامی و شکست تحصیلی مواجه می شوند احتمال ارتكاب بزه از سوی آنان محتمل است (معظمی، ۱۳۸۸).

اثر عوامل فردی منجر به نوعی آمادگی قبلی یا تمایلات و استعداد بالقوه در فرد می گردد که او را برای ارتكاب اعمال خاصی آماده می سازد. بسیاری از جرم شناسان که از دیدگاه روانشناسی بزه و بزهکار را مورد مطالعه قرار داده اند معتقدند که جرم ناشی از عدم تعادل روانی اشخاص به معنای عام کلمه می باشد که شامل انواع اختلالات روانی، آسیب های مغزی و مشکلات روحی و شخصیتی افراد می باشد. مدافعین این مکتب بر اساس مطالعات و داده های اکتسابی بر روی بزهکاران و ساختار روحی و توان هوشی و حالات مغزی آنان، بزه را مولود تحریکات روانی دانسته اند (نجفی توانا، ۱۳۸۵).

با توجه به مباحث مطرح شده، پژوهش حاضر کارکردهای اجرایی (استدلال، برنامه ریزی- سازماندهی، حافظه کاری) را در نوجوانان بزهکار و عادی شهر تهران مورد بررسی و مقایسه قرار می دهد.

---

<sup>1</sup> - Morality



## ۲-۱ بیان مسأله

در طول دهه اخیر توجه گسترده ای به حوزه کارکردهای اجرایی در کودکان شده است. از دیدگاه عصب شناختی این اصطلاح مرتبط با شبکه گسترده ای در قشر پیشانی و شامل تعداد زیادی از فرایندهای شناختی و فراشناختی همچون خود تنظیمی رفتار و رشد مهارت‌های شناختی - اجتماعی است. که در طول تحول کودک شکل می گیرد (میرمهدی، ۱۳۸۶). کارکردهای اجرایی مسولیت بازننگری و منظم کردن فرایندهای شناختی در طول انجام تکلیف شناختی پیچیده بر عهده دارد (اسلاس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). از دیدگاه عصب روانشناختی کارکردهای اجرایی اغلب به عنوان ابزارهای تشخیص بکار برده می شوند. و شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می دهد که اختلال در کارکردهای اجرایی با آسیب منطقه پیشانی رابطه دارد (اسلاس، ۲۰۰۶). به طور کلی مطالعه کارکردهای اجرایی کار مشکلی است. یکی از مسائل اساسی در مطالعه کارکردهای اجرایی، ناخالص بودن مطالعه این کارکردهاست (دنکل<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴، رابیت<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷، نقل از اسلاس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶). برای اینکه کارکردهای اجرایی خود را نشان دهد ما مجبوریم که توانایی هایی مانند توانایی کلامی، سخن گفتن و یا توانایی دیداری-فضایی دیگر را مورد توجه قرار دهیم.

از نظر داوسن و گوایر (۲۰۰۴، نقل از علیزاده، ۱۳۸۵) کارکردهای اجرایی شامل مولفه های زیر می باشد.

برنامه ریزی، سازماندهی، مدیریت زمان، حافظه کاری

برنامه ریزی: تصمیم گیری شامل توانایی تدوین نقشه راه برای رسیدن به هدف یا تکمیل تکلیف. همچنین برنامه ریزی در برگیرنده توانایی تصمیم گیری در مورد تعیین اولویت است.

سازماندهی: شامل توانایی تنظیم یا قرار دادن اشیاء بر اساس سیستم است. عملکرد لب پیشانی در این میان نقش واسطه ای دارد.

---

<sup>1</sup>- Slus

<sup>2</sup>- Denckele

<sup>3</sup>- Rabitt

حافظه کاری: به طور کلی به نگهداری اطلاعات در ذهن و کار کردن روی آن مربوط می شود. حتی زمانی که محرک اصلی موجود نیست فرد با حافظه کاری می تواند عملیات ذهنی انجام دهد. برای مثال انجام عملیات ریاضی در ذهن نمونه ای از حافظه کاری است.

کارکردهای حافظه کاری عبارت است از (بارکلی، ۱۹۹۷، نقل از علیزاده، ۱۳۸۳):

نگهداری اطلاعات در ذهن و کار کردن روی آن

نقش اساسی در پیش بینی، تفکر و تقلید<sup>۱</sup> رفتار جدید

رابطه با درک زمان و شکیبایی

انجام عملیات ذهنی به شکل درونی که نارسایی در آن موجب می شود که فرد به پسخوراند بیرونی وابسته شود. و از سوی دیگر به علت مشکل در بازیابی ذهنی در مرور کارها مشکل پیدا می کند. فردی که در حافظه کاری مشکل دارد دچار نوعی نزدیک بینی زمانی می شود.

وقتی نوجوانان با مشکلات رفتاری، یادگیری یا توجه دست و پنجه نرم می کنند؛ مفهوم کارکردهای اجرایی می تواند به ما کمک کند تا نکاتی که بافت عملکردهای کلی را از هم می پاشد را دسته بندی کنیم. همچنین می تواند در برجسته سازی نقاط قوت و استعداد به ما کمک کند. در نهایت، می تواند در تعیین چگونگی حمایت از رشد و پرورش نوجوان در حوزه هایی که مشکل دارد به ما کمک کند (استابری<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸).

بسیاری از نوجوانان دچار اختلالات رفتاری با مشکلات عمده ای در زمینه بزهکاری مواجه هستند. بزهکاری نوجوانی یک تشخیص روانپزشکی نبوده بلکه یک طبقه بندی قانونی است. با وجود این، بزهکاری ممکن است با اختلالات روانپزشکی به ویژه اختلال سلوک مربوط باشد. ولی بسیاری از بزهکاران به اختلال سلوک یا بیماری روانی دیگر مبتلا نیستند، علل بزهکاری نوجوانی به علل اختلال سلوک شباهت زیادی دارد. با این تفاوت که در بزهکاری، باید روی جنبه های اجتماعی تاکید بیش تری صورت گیرد، چرا که بزهکاری نوعی اختلال رفتاری است

---

<sup>1</sup> - Imitation

<sup>2</sup> - Staberry

که با توجه به قانون مشخص می شود. بزهکاری با طبقه اجتماعی پایین، فقر، نامناسب بودن مسکن و فقر آموزشی رابطه دارد (شکوهی پرنده و یکتا، ۱۳۸۴).

بزهکاری نوجوانان به عنوان یک پدیده زیستی-روانی-اجتماعی مطرح می شود. و در میان همه عواملی که زمینه ساز بروز بزهکاری نوجوانان می باشند بیشترین تاکید بر نقش عوامل و شرایط نامناسب خانوادگی می گردد. بدین لحاظ است که خانواده به عنوان پایه و اساس ساخت اجتماعی، وظیفه اجتماعی کردن فرزندان و پرورش اعضای مفید جامعه و همچنین انتقال فرهنگ جامعه را از نسلی به نسل دیگر بر عهده دارد.

بزهکاری کودکان و نوجوانان یک معضل جهانی است. وخامت جنایات ارتكابی جوانان، توجه مسولین، سیاست گذاران و افکار عمومی را به خود جلب کرده است. بطور کلی نرخ جرائم بویژه جرائم خشونت بار نوجوانان در طول نیمه دوم قرن بیستم افزایش شدید داشته است. این خشونت ها تنها علیه اشخاص صورت نمی گیرد. بلکه در مواردی علیه اموال اشخاص است. در برخی موارد نوجوانان بی آنکه هدف و نقشه مشخصی را دنبال کنند مرتکب بزه می شوند. و گاه شرارت به منظور انتقام یا لذت بردن یا نشان دادن فکر طغیان گر صورت می گیرد (معظمی، شهلا، ۱۳۸۸). در گذشته به موازات افزایش سن افراد نوع جرم آنها نیز متفاوت می شد. به عنوان مثال در گذشته جوانان بیشتر به رفتارهای خلافی دست می زدند که با روح جوانی سازگار بود مثل شوخی های عملی یا دزدی های کوچک و بی اهمیت یعنی رفتارهایی که به گفته ما ریز ویلانت نوعی (بازی) محسوب می شود که در واقع نشانه ای از کشف و ابتکاری است که نوجوانان در میان گروه همسال خود دارند و رفتارهای بزهکارانه ساده برای اثبات توانایی و قدرت آنان است (ایبراهمسن، ۱۳۷۱).

نظریه کارکردهای اجرایی یک نظریه کامل و دقیق نیست. همچنین از طبقه بندی تشخیصی استاندارد برخوردار نیست. با این همه این نظریه می تواند چارچوبی برای درک سطح شناختی کودکان، برای والدین و متخصصین فراهم آورد.

کارکردهای استدلال، برنامه ریزی، سازماندهی و حافظه کاری<sup>۱</sup> از مولفه های عالی شناختی و فراشناختی هستند که تحت عنوان کارکرد اجرایی شناخته می شوند. (بارکلی، ۲۰۰۰، پنینگتون، ۱۹۹۸، لوفتیز، ۲۰۰۴). اکثر تحقیقات با این

<sup>1</sup> - Working memory

موضوع موافق هستند که کارکردهای اجرایی فرایندهای شناختی به هم بسته را که برای فعالیت های هدفدار و هدفمند لازم هستند هماهنگ می سازد (لی زاك، ۱۹۹۳، لوفتیز، ۲۰۰۴). به طور کلی کارکردهای اجرایی را می توان به عنوان شاخصی برای «چگونه و چه وقت» انجام دادن عملکردهای رفتاری عادی توصیف کرد (هیلمن، ۱۹۹۴، لوفتیز، ۲۰۰۴). بررسی تحولی کارکردهای اجرایی نشان داده اند که این کارکردها: الف) از همان دوران اولیه رشد، احتمالاً پایان سال اول زندگی ظهور می کنند. ب) به تدریج رشد می نمایند و در طی سالهای ۲ تا ۵ تغییرات بسیار مهمی در آن رخ میدهد و در حدود ۱۲ سالگی عملکرد کودک تا حد بسیار زیادی شبیه عملکرد بزرگسالان می شود. پ) می توان ناکامی کودک را در انجام کارکردهای اجرایی بر اساس پیچیدگی تکالیف مشخص کرد. ت) می توان بین تحول جنبه های عاطفی نسبتاً «داغ» در کارکردهای اجرایی (که با کورتکس اریتو فرونتال<sup>۱</sup> مرتبط اند) و از سوی دیگر تحول جنبه های خالص تر شناختی «خنک» (که با کورتکس پره فرونتال<sup>۲</sup> پشتی جانبی رابطه دارد) به نوعی تمایز قائل شد (زلازو و مولر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲، نقل از عزیزاده، ۱۳۸۵).

معیوب بودن مولفه های کارکردهای اجرایی در کودکان بزهکار<sup>۴</sup> علت بسیاری از مشکلات رفتاری و شناختی این نوجوانان محسوب می شود.

کارکردهای اجرایی به مکانیسم های کنترل و پیگیری هدف که عناصر فرایندهای شناختی مختلف را تعدیل و هدایت می کند اشاره دارد (وندر اسلویز، دی جومونگ و وندرلیج<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴). این کارکردها مهارت هایی هستند که به شخص کمک می کند تا به جنبه های مهم تکلیف توجه کرده و برنامه ریزی جهت اتمام آنها نماید (جان، ۱۳۸۷).

کودکانی که دچار نقص در کارکردهای اجرایی هستند در مقایسه با کودکان طبیعی دارای درجاتی از اختلال هستند که این نقص بویژه در مهار پاسخ ها بیش تر نمایان می شود (تهرانی دوست، ۱۳۸۲). به همین دلیل نوجوانان بزهکاری که دچار نقص در کارکردهای اجرایی هستند و در بازداری و مهار پاسخ ها اختلال دارند رفتارهایی از خود بروز می دهند که از نظر اجتماعی ناپسند و با ارزش های فرهنگی و اجتماعی جامعه در تضاد است.

<sup>۱</sup>- Orbitofrontal

<sup>۲</sup>- Prefrontal

<sup>۳</sup>-Muler

<sup>۴</sup>- Delinquent children

<sup>۵</sup>- Vander sluis & Dejomong & Vander leij